

واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین

* ابراهیم ابراهیمی

** محمد تیموری

*** اصغر طهماسبی بلداجی

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۵]

چکیده

برای آیه ولایت تفاسیر متعددی ارائه شده است. مفسران فریقین دو دیدگاه کلی درباره تفسیر این آیه بیان کرده‌اند؛ مفسران شیعه آیه را دالّ بر ولایت و امامت امام علی (ع) می‌دانند، ولی بیشتر اهل سنت، ولایت در این آیه را مطلق دانسته، آن را به تمام مؤمنان نسبت می‌دهند. از آنجا که آیه ولایت، مصادیق ولایت مثبت را معرفی می‌کند و مسئله ولایت از اساسی‌ترین مباحث معرفتی - اعتقادی است، ضروری است که بیشتر درباره این آیه شریفه کنکاش شود و تفسیر صحیحی از آن بازگو شود. پژوهش فرارو ضمن تحلیل آرای مفسران فریقین، درصدد معناشناسی قرآنی واژه «ولی» و پی‌جویی روایی مصداق «الذین امنوا» است. نتیجه این پژوهش، بازنمایی صحت دیدگاه شیعه است که بر اساس آن، «ولی» به معنای ولایت و سرپرستی و مصداق «الذین آمنوا» امام علی (ع) است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر تطبیقی، فریقین، آیه ولایت، ولایت امام علی (ع).

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول). dr.e.e.978@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک. phd.m.teymoori@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک. tahmasebiasghar@yahoo.com

مقدمه

از سؤالات مهم درباره جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که آیا در قرآن کریم به مسئله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است؟ و اگر اشاره شده چرا به صراحت نام جانشینان ایشان ذکر نشده است؟ سابقه این پرسش به همان قرون اولیه بازمی‌گردد (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۶/۱). با تبیین صحیح پاسخ این سؤالات، اختلافات بسیاری درباره این مسئله برطرف می‌شود. قرآن کریم به عنوان کتابی جامع و جاودان، تمام مسائلی را که انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال به آن نیاز دارند، بیان فرموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و تبیین آن مسائل نیز به عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اصول مهمی است که قرآن به آن اشاره کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور جامع آن را تبیین کرده است. آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناظر بر این موضوع مهم است. با در نظر گرفتن اصل کلی‌گویی قرآن کریم، استنباط می‌شود که قرآن به صراحت به مسئله جانشینی اشاره کرده و تبیین کامل آن را به عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهاده است. شاهد این مدعا احکام و معارف بسیاری است که به طور کلی بیان شده اما جزئیات و حتی ضامن اجرایی آن در قرآن کریم بیان نشده است؛ نماز، روزه، زکات و حج ارکان مهم دین است که جزئیات تفصیلی آن در قرآن کریم نیامده است و تبیین جزئیات به عهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. این قضیه درباره جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز صدق می‌کند و آیات و روایات متعددی این مطلب را تأیید می‌کند. فارغ از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسئله ولایت و جانشینی را به طور کامل تبیین کرده‌اند، آیات متعددی نیز در این باره نازل شده است و منابع معتبر فریقین، شأن نزول این آیات را درباره ولایت امام علی علیه السلام دانسته است. علاوه بر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواضع گوناگون در بین عام و خاص، امام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام را به عنوان جانشینان خود به امر خداوند، معرفی می‌کند تا حجت بر بندگان تمام شود. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای، آیه ولایت (مأنده: ۵۵) را با تأکید بر منابع مهم فریقین مورد بررسی تفسیری و روایی قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

مفسران فریقین از قرون نخستین تلاش کرده‌اند تا تفسیر صحیحی از آیه ولایت ارائه کنند. در این میان عده‌ای با رویکرد روایی، برخی با روش قرآنی و عده‌ای دیگر با ترکیبی از این دو به تحلیل و تفسیر این آیه پرداخته‌اند. علاوه بر کتب تفسیری، در کتب کلامی به ویژه در کلام شیعه نیز درباره آیه مزبور بحث شده است؛^۱ چرا که شیعه آیه ولایت را یکی از مستندات نصی بر امامت امام علی علیه السلام می‌داند. علاوه بر اینها، تک‌نگاری‌هایی نیز درباره آن با رویکرد تفسیری یا تطبیقی نگارش یافته است. کتاب بررسی تطبیقی آیات ولایت در دیدگاه فریقین اثر آقای نجارزادگان از جمله این پژوهش‌ها است که با رویکرد تطبیقی نگاشته شده است؛ مؤلف سعی کرده است تفاسیر فریقین را به همراه نقاط اشتراک و افتراق آنها ذکر کند و در نهایت به مناقشات اهل سنت پاسخ دهد. پژوهش حاضر و رای پژوهش‌های سابق، با نگاهی متفاوت به بررسی آیه ولایت که مهم‌ترین آیه درباره جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، می‌پردازد. تمایز این پژوهش با تألیفات پیشین عبارت است از: ۱. به دیدگاه تفسیری اهل سنت پاسخ‌های متعدد و جدیدی داده شده است. ۲. این پژوهش برخلاف رویکرد تألیفات پیشین، درصدد است اسباب اصلی اختلاف فریقین در تفسیر آیه را بنمایاند؛ پژوهش‌های قبلی به تفسیر آیه و بیان مناقشات فریقین در حد نکات تفسیری بسنده می‌کردند، اما پژوهش حاضر درصدد است تا منشأ اختلافات را از نگاه روش‌شناسی تفسیری بررسی کند. نتیجه بررسی این است که منشأ اصلی تفاوت دیدگاه‌ها درباره آیه، به اختلاف در دو روش تفسیر آیه برمی‌گردد: روش معنایابی واژه «ولی» و روش مصداقیابی «الذین آمنوا». ۳. تبیین قرآنی واژه ولی نتایجی در پی دارد که در تألیفات پیشینان نیامده است. بنابراین این پژوهش با نگاهی قرآنی به واژه ولی و با رویکرد روایی - تطبیقی به دیدگاه فریقین، به بررسی این آیه مبارک پرداخته و نتایج جدیدی در این باره مطرح کرده است.

آیات ناظر بر ولایت امام علی علیه السلام

درباره ولایت امام علی علیه السلام آیات متعددی نازل شده است؛ سوره انسان و کوثر در شأن عترت طاهره علیهم السلام نازل شده است، چنان‌که آیات متعدد دیگری نیز به طور مستقیم و

غیرمستقیم در شأن ولایت و مودت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است. علاوه بر این، برخی از آیات قرآن به صراحت جریان ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بیان کرده است؛ در این باره می‌توان به آیه ولایت و آیه تبلیغ اشاره کرد. برخی آیات نیز مؤید جریان ولایت و امامت بوده و مرتبط با موضوع انتصاب امام علی علیه‌السلام در غدیر خم هستند؛ مانند آیه نخست سوره معارج و آیه اکمال. برخی دیگر از آیات در شأن اهل بیت علیهم‌السلام است که از این حیث امام علی علیه‌السلام را نیز دربرمی‌گیرد. آیات مباهله و تطهیر نمونه‌ای از این آیات است. برخی دیگر از آیات گویای فضایل امام علی علیه‌السلام است که در این باره می‌توان به آیه هفتم سوره بینه اشاره کرد. بنابراین با وجود اینکه نام امام علی علیه‌السلام و امامان پس از ایشان در قرآن به صراحت ذکر نشده، آیات متعددی درباره ایشان نازل شده است و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این آیات را تفسیر و تبیین نموده‌اند. در ادامه با تکیه بر منابع معتبر فریقین، مهم‌ترین آیه، یعنی آیه ولایت را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

معرفی آیه ولایت

مهم‌ترین آیه‌ای که دلالت تام بر ولایت امام علی علیه‌السلام دارد، آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت است: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».

در این آیه خداوند مراتب ولایت را بیان می‌کند؛ ابتدا ولایت خداوند، سپس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پس از آن ولایت کسانی که ایمان آورده و در حال رکوع زکات می‌دهند. درباره مورد اول و دوم جای هیچ شک و تردیدی نیست. مناقشه مفسران فریقین درباره عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» و پی‌جویی مصادیق یا مصداق اصلی آن است. تعیین مصداق عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا»، ولی و سرپرست مسلمانان را پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشخص می‌کند. برای تبیین و تفسیر این آیه باید شأن نزول آیه را بدانیم. مفسران شیعه به اتفاق، شأن نزول آیه را درباره امام علی علیه‌السلام می‌دانند و در این باره متفق‌القول هستند؛ به‌گونه‌ای که خبر نزول آیه درباره ایشان را متواتر دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۸۲/۱؛ طبری، بی‌تا: ۱۹؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۷/۷؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱۱۶/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۳۰/۲؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۲). از امام

باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است: «این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد آنگاه که در حال رکوع انگشتی خود را صدقه داد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۵). ابوالعباس احمد بن ابراهیم از علمای زیدیه نیز می نویسد: «روایات متواتری که هیچ عذر و بهانه‌ای را برای کسی باقی نمی گذارد نشان می دهد که آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است» (ابوالعباس، بی تا: ۱۸).

مفسران اهل سنت نیز تنها مصداق اولیه آیه را، علی بن ابی طالب علیه السلام دانسته اند (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۱۸۶؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴/۱۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۱۲۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۳). قریب به اتفاق اهل سنت شأن نزول این آیه را درباره جریان حاتم بخشی امام علی علیه السلام دانسته اند و این قول را شأن نزول اصلی آیه تلقی کرده اند. ابن عطیه اندلسی در این باره می نویسد: «هذا قول المفسرين ولكن اتفق ان علی بن ابی طالب اعطی صدقه و هو راکع» (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲/۲۰۹). ثعلبی نیز به عنوان یکی از مفسران معروف اهل سنت شأن نزول آیه ولایت را درباره اتفاق انگشتت توسط امام علی علیه السلام در حال رکوع می داند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۸۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲/۳۹۶). محدثان بزرگ اهل سنت روایات زیادی در این موضوع نقل کرده اند؛ از جمله این روایت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «علی از من است و من از علی و او پس از من ولی هر مؤمنی است» (ترمذی، ۱۴۱۹: ۲/۲۹۷؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۹/۱۲۸).

نکته مهم دیگر درباره این آیه، احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام به آیه ولایت در مواضع گوناگون است. در منابع مهم اهل سنت این احتجاج با تفاوت مختصری در الفاظ بیان شده است:

انشدکم بالله اتعلمون حیث نزلت انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون و ... امر الله عزوجل نبیه ان یعلمهم ولایة امرهم و ان یفسر لهم من الولاية کما فسر لهم من صلاتهم و زکاتهم و حجهم فصبني للناس بغدير خم (قندوزی، ۱۴۱۸: ۱۴/۸۳)؛ شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید هنگامی که آیه «انما ولیکم الله و...» و آیات دیگر نازل شد خداوند پیامبرش را مأمور کرد که متولیان امور امت را به آنان معرفی کند و ولایت را برای امت توضیح دهد همان طور که نماز، زکات و حج

ایشان را برای آنان شرح داده است؟ به دنبال این مسائل، رسول خدا ﷺ در غدیر خم مرا به امامت مردم نصب کرد.

این سخن امام علی علیه السلام ناظر به دو مطلب است؛ یکی کلی‌گویی قرآن کریم و ذکر نکردن نام ائمه علیهم السلام در قرآن و دیگری تبیین و تفسیر پیامبر اکرم ﷺ از این آیات و حجیت مطلق قول ایشان مانند قول خداوند متعال در منابع دیگر اهل سنت نیز احتجاج امام علی علیه السلام به این آیه در مواضع گوناگون بیان شده است (جوبی، ۱۳۹۸: ۳۱۲/۱). در منابع شیعه نیز احتجاجات امیرالمؤمنین علیه السلام به این آیه در مواقع گوناگون از جمله زمان خلفا بیان شده است (نک: بحرانی، ۱۴۲۲: ۲۰/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۸۰/۲).

دیدگاه مفسران فریقین درباره آیه ولایت

درباره اینکه آیا این آیه بر ولایت و امامت امام علی علیه السلام دلالت دارد یا نه، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. اثبات ولایت و امامت امام علی علیه السلام. ۲. انکار ولایت و امامت امام علی علیه السلام. در ادامه به تحلیل و بررسی این دو دیدگاه می‌پردازیم.

دیدگاه اول: اثبات ولایت و امامت امام علی علیه السلام

طبق دیدگاه اول مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» فقط امام علی علیه السلام است و این آیه دلالت بر ولایت و امامت آن حضرت دارد. این دیدگاه برای اثبات نظریه خود به چند دلیل تمسک کرده است از جمله:

دلیل اول: واژه «أَمَّا» بر حصر دلالت دارد، در نتیجه ولی مسلمین فقط خدا و رسول و مؤمنان نمازگزار و زکات‌دهنده در حال رکوع هستند.

دلیل دوم: ولی در این آیه بر اساس قرائن پیوسته و ناپیوسته به معنای «ولایت در تصرف» است.

دلیل سوم: عبارت «و هم راکعون» عمومیت جمله «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» و یؤتون الزکاة و هم راکعون را تخصیص زده است.

دلیل چهارم: عبارت «و هم راکعون» به معنای هیئت خاص خم شدن در نماز و قبل از سجود است.

دلیل پنجم: برای مصداق‌یابی «و هم راکعون» راهی جز روایات نبوی علیه السلام نداریم که بر اساس این روایات، تنها مصداق «و هم راکعون» امام علی علیه السلام است در آن هنگام که انگشتر خود را به فقیری اعطا کرد. تفصیل و توضیح این دلایل در بخش «نقد و بررسی شبهات واردشده بر دیدگاه اول» خواهد آمد.

دیدگاه دوم: انکار ولایت و امامت علی علیه السلام
این دیدگاه قائل است آیه ۵۵ سوره مائده بر ولایت و امامت علی علیه السلام دلالت ندارد، این دیدگاه برای اثبات نظریه خود چند دلیل اقامه کرده است، از جمله:
دلیل اول: برخی از طرفداران این نظریه، سبب نزول آیه را امام علی علیه السلام نمی‌دانند.
دلیل دوم: بر اساس سیاق آیه، «ولی» به معنای دوستدار و یاور است.
دلیل سوم: این عبارات آیه عام است و شامل همه مؤمنان می‌شود: «الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون».
دلیل چهارم: عبارت «و هم راکعون» به معنای «و هم خاضعون و متواضعون» است. تفصیل این دیدگاه نیز در بخش «نقد و بررسی شبهات واردشده بر دیدگاه اول» خواهد آمد.

نقد و بررسی شبهات واردشده بر دیدگاه اول
از آنجا که نظر برگزیده این مقاله دیدگاه اول، مبنی بر اثبات ولایت و امامت امام علی علیه السلام است، در این بخش شبهاتی را که در این باره از سوی طرفداران نظریه دوم مطرح شده است، نقد و بررسی می‌کنیم.

۱. انکار شأن نزول آیه درباره امام علی علیه السلام
برخی مفسران عامه شأن نزول آیه درباره امام علی علیه السلام را انکار کرده‌اند. نخستین کسی که با صراحت شأن نزول آیه درباره ولایت امام علی علیه السلام را انکار کرد، ابن تیمیه (م ۷۵۸ ق) بود (نजारزادگان، ۱۳۹۱: ۳۶). وی می‌گوید: «اجمع أهل العلم بالنقل علی أنها لم تنزل فی علی بخصوصه و أن علیاً لم یتصدق بخاتمه فی الصلاة و اجمع أهل العلم بالحديث علی أن القصة المروية فی ذلك من الکذب الموضوع» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۱/۷).

نقد و بررسی: چنان‌که در سطور پیشین به روایات شأن نزول این آیه اشاره شد، بنا بر اجماع شیعه و بر اساس روایات کثیری از اهل سنت، این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است، به گونه‌ای که این روایات به حد تواتر می‌رسند. سید هاشم بحرانی در غایة المرام، ۲۴ حدیث از طرق اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طرق شیعه نقل می‌کند مبنی بر اینکه سبب نزول آیه مزبور، ولایت امام علی علیه السلام بوده است (بحرانی، ۱۴۲۲: ۲/ ۵-۲۲). حاکم حسکانی (عالم اهل سنت) در کتاب *شواهد التنزیل* این سبب نزول را از ۲۶ طریق روایت می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۹/۱-۲۳۹). برخی از متکلمان اهل سنت ادعای اجماع کرده‌اند بر اینکه آیه ولایت در حق امام علی علیه السلام نازل شده است؛ افرادی مانند: قوشچی حنفی در شرح تجرید، قاضی عضدالدین ایجی در شرح *مواقف فی علم الکلام*، میرسیدشریف جرجانی در شرح *مواقف* و سعدالدین تفتازانی در شرح *مقاصد* (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۲۱/۲). جصاص در *احکام القرآن* روایت می‌کند: «روی عن مجاهد و السدی و أبی جعفر و عتبة بن أبی حکیم أنها نزلت فی علی بن أبی طالب حین تصدق بخاتمه و هو راکع» (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۰۲/۴). زمخشری در تفسیر کشاف این گونه می‌گوید: «و إنها نزلت فی علی کرم الله وجهه حین سأله سائل و هو راکع فی صلاته فطرح له خاتمه» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۴۹). فخر رازی این شأن نزول را از عبدالله بن سلام این گونه نقل می‌کند: «قال: لما نزلت هذه الآية قلت يا رسول الله أنا رأيت علياً تصدق بخاتمه علي محتاج و هو راکع، فنحن نتولاه» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲). با وجود این، چگونه کسانی همچون ابن تیمیه چنین روایاتی را انکار کرده و آن را از موضوعات می‌دانند؟ روایات مزبور به حد تواتر رسیده و اجماع مفسران و محدثان شیعه و بیشتر اهل سنت بر این است که شأن نزول این آیه درباره صدقه دادن انگشتر امام علی علیه السلام است. علامه طباطبایی در این باره معتقد است اگر این روایات را درباره سبب نزول آیه نادیده بگیریم، دیگر نمی‌توان به هیچ یک از شأن نزول‌ها اعتماد و اطمینان کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۶). بنابراین هیچ شکی نمی‌ماند که سبب نزول این آیه، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

۲. ولیّ به معنای دوست و یاور

شبه دیگر درباره ولایت امام علی علیه السلام بر مبنای این آیه، این است که «ولیّ» در این آیه به معنای «محب و ناصر» است. فخر رازی در تفسیر خود این شبهه را این گونه تقریر می‌کند:

ولیّ در این آیه به معنای محب و ناصر است، زیرا آیات قبل و بعد، بیانگر این معنا است؛ خداوند متعال در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ: أَي كَسَانِي كِه اِيْمَان اُورده ايد، يهود و نصارى را دوستان [خود] برنگزينيد». همچنين در آيه ۵۷ مي‌فرمايد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ: أَي كَسَانِي كِه اِيْمَان اُورده ايد! كَسَانِي كِه دين شما را به ريشخند و بازی گرفته اند، [چه] كَسَانِي كِه پيش از شما به آنان كتاب داده شده و [چه] كافران را به عنوان دوست [خود] برنگزينيد». مراد از «اولياء» در اين دو آيه «محب و ناصر» است، بنا بر اين در آيه ولایت نيز «ولیّ» به معنای «محب و ناصر» است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۴/۱۲).

نقد و بررسی: لفظ «ولیّ» به چند دلیل به معنای «ولایت در تصرف» است، نه به معنای محب و ناصر؛ از جمله:

۱. «ولیّ» به طور قطع به معنای «ناصر» نیست، زیرا در آیات زیادی صفت «ولیّ» درباره خداوند همراه با صفت «نصیر» آمده است، آیاتی مانند: «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷)، «وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (توبه: ۷۴)، «مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (شوری: ۸). اینکه در این آیات و آیات دیگر، صفت ولیّ به همراه نصیر آمده است، بیانگر این است که این دو صفت الهی به یک معنا نیستند (جعفری و حائری، ۱۳۹۰: ۵۳/۱).

۲. لازمه اینکه ولیّ به معنای محب و ناصر باشد این است که در تمام آیاتی که الفاظ «محب و ناصر» آمده است، بتوان لفظ «ولیّ» را به جای آن دو به کار برد، زیرا هم معنایی ولیّ با محب و ناصر به معنای مترادف بودن با این دو است؛ حال آنکه در آیاتی که مشتقات محب و ناصر آمده است، نمی‌توان به جای آن دو، ولیّ را به کار برد؛ مثلاً در آیات: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» (مائده: ۵۴)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرِكُمْ وَ يَثْبُتْ

أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ» (صف: ۱۴) (جعفری و حائری، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۲-۴۶).

۳. «ولی» در این آیه به معنای اولی در تصرف است که با معنای امام و خلیفه مترادف است و به معنای نصرت و محبت نیست؛ زیرا همه مؤمنان بر یکدیگر ولایت در محبت و نصرت دارند، در حالی که بر اساس تحلیل درون‌متنی آیه و روایات شأن نزول آن، ولایت در این آیه به خدا و رسول ﷺ و امام علی علیه السلام اختصاص داده شده است. پس ناگزیر مراد از این ولایت برای امیرالمؤمنین علیه السلام همان ولایتی است که در انحصار خدا و رسول ﷺ است که عبارت است از اولی در تصرف بودن (نک: طوسی، بی‌تا: ۵۵۹/۳-۵۶۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵/۶-۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۲۳-۴۳۲؛ نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۲۶-۳۰).

۴. روایات شأن نزول آیه نیز بیانگر این است که ولی در این آیه به معنای ولایت در تصرف است نه به معنای محب و ناصر (نک: مفید، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۸۲؛ طبری، بی‌تا: ۱۹؛ رازی، ۱۴۰۸: ۷/ ۲۷؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۱۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۲/ ۳۰؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶/ ۱۸۶؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴/ ۱۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/ ۱۲۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۹۳).

۳. عام بودن دلالت آیه

فخر رازی می‌گوید:

الفاظ این آیه جمع آمده است و اگر الفاظ جمع بر یک نفر اطلاق شود، مجاز خواهد بود و این گونه مجاز بودن صحیح نیست؛ زیرا اصل، حمل کلام بر حقیقت است نه مجاز: «أنه تعالى ذكر المؤمنين الموصوفين في هذه الآية بصيغة الجمع في سبعة مواضع و هي قوله وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ حمل ألفاظ الجمع و إن جاز على الواحد على سبيل التعظيم لكنه مجاز لا حقيقة، و الأصل حمل الكلام على الحقيقة» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/ ۳۸۴-۳۸۵).

نقد و بررسی: عام بودن «الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكاة و هم راکعون» به چند دلیل مخالف با این نیست که امام علی علیه السلام تنها مصداق این عبارت

باشد زیرا: اولاً: عبارت «و هم راکعون» عمومیت «و الذین آمنوا...» را تخصیص زده است، بدین معنا که همه مؤمنان نمازگزار و زکات‌دهنده ولی نیستند بلکه «مؤمنان نمازگزار و زکات‌دهنده در حال رکوع» ولی می‌باشند. ثانیاً: درست است که عبارت «و هم راکعون» نیز جمع و عام است و ممکن است خیلی از مؤمنان نمازگزار، در حال رکوع زکات بدهند ولی در اینجا برای مصداقیابی «و هم راکعون» باید به روایات نبوی ﷺ رجوع کنیم، زیرا به هر حال عبارت «و هم راکعون» عام است و ممکن است در طول قرن‌ها نتوان مؤمنی یافت که در حال رکوع، زکات بدهد و در نتیجه مسلمانان بعد از پیامبر ﷺ متولی امور و امام نداشته باشند. بنابراین در این آیه باید به روایات نبوی رجوع کرد تا شاید مصداق «و هم راکعون» را معین کرده باشد. روایات نبوی که متواتر هم هست، بیانگر این است که تنها مصداق «و هم راکعون» امام علی (علیه السلام) است نه فرد دیگری. ثالثاً: ادعا این نیست که الفاظ آیه عام است و بر مفهوم خاص دلالت دارد، بلکه ادعا این است که الفاظ آیه عام است، لیکن بر یک مصداق دلالت می‌کند. فرق است بین اینکه لفظ جمع را اطلاق کرده، واحد را اراده کنند و اینکه قانونی کلی و عمومی بگذارند درحالی که مشمول آن قانون فقط یک نفر باشد و جز او بر کس دیگری منطبق نشود. شیوه اطلاق اول در عرف سابقه ندارد اما استعمال شیوه دوم در عرف عرب و قرآن بسیار است، مانند این آیات: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (منافقون: ۸)؛ بر اساس روایات صحیح، مراد از «يقولون»، عبدالله بن ابی سلول رئیس منافقان است. نیز آیه «الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (بقره: ۲۷۴) که درباره امام علی (علیه السلام) نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۶). رابعاً: اگر بر فرض پذیرفته شود که اراده مصداق خاص از لفظ عام، مجاز است و نیاز به دلیل دارد (آن‌گونه که فخر رازی شبهه کرده بود) باز هم ایراد فخر رازی وارد نیست، زیرا روایات سبب نزول آیه که خود فخر رازی هم آن را روایت کرده و رد نکرده است، قرینه و دلیلی است بر اینکه عبارت عام «و هم راکعون» بر مصداق خاصی، یعنی امام علی (علیه السلام) دلالت دارد. بنابراین عام بودن الفاظ آیه، خاص بودن مصداق آیه را رد نمی‌کند.

۴. «و هم راکعون» به معنای «و هم خاضعون»

برخی از مفسران اهل سنت مانند زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۴۹/۱) و قاسمی (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۴) عبارت «و هم راکعون» را به «و هم خاضعون» معنا کرده‌اند. آلوسی می‌نویسد: «وَهُمْ رَاكِعُونَ حَالٌ مِنْ فَاعِلِ الْفَعْلَيْنِ أَيْ يَعْمَلُونَ مَا ذَكَرَ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ هُمْ خَاشِعُونَ وَ مُتَوَاضِعُونَ لِلَّهِ تَعَالَى» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۳) برخی از طرفداران نظریه دوم، دلیل چنین معنایی را جایز نبودن اعطای زکات در نماز و در رکوع می‌دانند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۶۰/۲).

نقد و بررسی: این شبهه نیز بنا بر چند دلیل ناستوار است: اولاً: رکوع در اصل به معنای انحناء و خمیده شدن انسان و غیره است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۳۴/۲) و در اصطلاح، به حالت خم شدن در نماز اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۴). ولی اینکه گفته شود «راکعون» در این آیه به معنای تواضع و خضوع است نیاز به دلیل و قرینه دارد. اینکه برخی از طرفداران نظریه دوم، دلیل چنین معنایی را جایز نبودن اعطای زکات در نماز و در رکوع می‌دانند، صحیح نیست، زیرا شارع مقدس (خداوند و پیامبر ﷺ) اعطای زکات در نماز را سبب بطلان نماز ذکر نکرده است (نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷). ثانیاً: اگر مراد از «راکعون»، خضوع و تواضع بود، باید می‌فرمود: «و هم خاضعون»، زیرا اسم فاعل ماده «خضع» در قرآن استعمال شده است، آنجا که می‌فرماید: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد» (شعراء: ۴). ثالثاً: روایات سبب نزول آیه نیز مؤید این است که «راکعون» به همان معنای حقیقی، یعنی «حالت خم شدن در نماز» است نه چیز دیگر. بنابراین هیچ دلیل معتبری نمی‌توان یافت که «راکعون» به معنای «خاضعون» باشد، بلکه برخلاف دلایل سه‌گانه مذکور، به طور قطع «راکعون» به همان معنای «حالت خم شدن در نماز» است.

دیدگاه برگزیده

دیدگاه برگزیده این نوشتار همان دیدگاه اول یعنی اثبات ولایت و امامت امام علی (علیه السلام) است. نویسندگان این نوشتار بر پایه دو روش مهم تفسیری چنین دیدگاهی را قطعی

می‌دانند؛ چراکه منشأ و ریشه تفاسیر مختلف و متعارض از این آیه به اختلاف در دو روش اصلی تفسیر آیه برمی‌گردد، به گونه‌ای که اگر این دو به درستی تبیین شوند، همه اختلافات درباره آیه برطرف خواهد شد. این دو روش عبارت‌اند از: ۱. روش معنایابی واژه «ولی» با مراجعه به قرآن که به طور قطع اولین و متقن‌ترین منبع است. ۲. روش مصداق‌یابی «الذین آمنوا...» با مراجعه به روایات.

معنایابی واژه «ولی» بر اساس آیات قرآن

از آنجا که تفسیر صحیح آیه در پرتو معنایابی صحیح واژگان آن است، شناخت معانی واژگان اهمیت بسزایی دارد. به طور قطع، اولین و مهم‌ترین منبع معنایابی واژگان قرآن، خود قرآن است. بر اساس این مبنا، برآنیم که «ولی» را بر اساس خود آیات قرآن معنا کنیم. به طور کلی، در قرآن دو گونه ولایت مطرح شده است: ۱. ولایت در مسائل فقهی، مانند آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» (اسراء: ۳۳). ۲. ولایت در مسائل اعتقادی-اخلاقی؛ این نوع ولایت، خود به دو نوع ولایت مثبت و ولایت منفی تقسیم می‌شود. منظور از ولایت مثبت، ولایتی است که خداوند متعال در قرآن کریم مؤمنان را به برگزیدن آن امر کرده است، مانند: ولایت خدا، رسول ﷺ و ولایت مؤمنان خاص در آیه ولایت. مراد از ولایت منفی، ولایتی است که خداوند مؤمنان را از آن نهی کرده است، مانند: ولایت شیطان، کفار، مشرکین، منافقین و یهود و نصاری. از آنجا که ولایت مورد بحث در این مقاله، ولایت در مسائل اعتقادی است، به ولایت در مسائل فقهی نمی‌پردازیم. با توجه به این مقدمه، در ادامه به معنایابی واژه «ولی» بر اساس آیات قرآن خواهیم پرداخت.

برای معنایابی ولی در آیه ولایت باید به این نکته توجه داشت که آیات ۵۱-۵۶ سوره مائده دارای سیاق واحداند و در پی اثبات و نفی دو مصداق از مصداق آیه ولایت هستند؛ یعنی اثبات ولایت خدا و رسول ﷺ و مؤمنین خاص (ولایت مثبت) و نفی ولایت یهود و نصاری (ولایت منفی). بر این اساس، ولایت در این آیات به یک معنا است، لیکن از جهت مصداق تفاوت دارند؛ همانند آیه ۲۵۷ سوره بقره که دو مصداق از مصداق ولایت را مطرح می‌کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷).

بنابراین ولایت در آیات ۵۱-۵۶ سوره مائده به یک معناست. بر اساس این مبنا، روش این مقاله برای معنایابی ولی، بررسی چگونگی و نوع ارتباط با یهود و نصاری است که نوع ارتباط با خدا و رسول ﷺ را مشخص خواهد کرد و از آن میان، معنا و چیستی ولایت مشخص خواهد شد. دلیل بر صحت چنین روشی - همان‌طور که در سطور پیشین گفته شد - این است که ولایت در این آیات به یک معنا است و هر معنایی که ولایت منفی داشته باشد، همان معنا برای ولایت مثبت، صادق است. آیات قرآن بیانگر این است که متعلقات ارتباط با یهود و نصاری و پذیرش ولایت آنان عبارت است از: مودّت، تبعیّت و اطاعت. توضیح هر کدام در ادامه می‌آید:

مودّت: بر اساس آیه اول سوره ممتحنه، یکی از متعلقات ارتباط با یهود و نصاری مودّت است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برنگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، درحالی که قطعاً به آن حقیقتی که نزد شما آمده است، کافرنده». در ادامه آیه می‌فرماید: «تُسَرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ براساس عموم آیه، حرمت مودّت با دشمنان خدا و مسلمانان، شامل یهود و نصاری هم می‌شود، زیرا آنان نیز دشمن خدا و مسلمین هستند و به دین اسلام کافرنده: «وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» (ممتحنه: ۱) و اگر به مسلمانان دست یابند با دست و زبان‌شان از هیچ بدی در حق آنان دریغ نمی‌کنند و دوست دارند آنها نیز کافر شوند: «إِنْ يَتَّقُوكُمْ يُكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسَّيِّئَاتُ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (ممتحنه: ۲). بدین ترتیب حرمت مودّت با دشمن خدا و رسول ﷺ به مشرکان اختصاص ندارد، بلکه مودّت با یهود و نصاری نیز حرام است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳/ ۳۷). بنابراین یکی از متعلقات ارتباط با یهود و نصاری، مودّت آنان است که آیه فوق از ولایت و در نتیجه از مودّت با ایشان نهی می‌کند.

تبعیّت: در چند آیه یکی از حالات ارتباط با یهود و نصاری، «تبعیّت» از آنان ذکر شده است. در آیه ۳ سوره اعراف می‌فرماید: «اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» (اعراف: ۳). فقره «وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» دالّ بر این

است که تبعیت، یکی از متعلقات پذیرش ولایت است. در آیه‌ای دیگر، درباره ممنوعیت پیروی از یهود و نصاری آمده است: «وَلَكِنْ أَتَّبَعْتَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۲۰)؛ مفهوم آیه این است که تبعیت از هوی و هوس‌های یهود و نصاری به منزله پذیرش ولایت ایشان است، زیرا تبعیت از ایشان، سبب خروج از ولایت الاهی می‌شود و هر که از ولایت خدا بیرون بیاید، لاجرم تحت ولایت طاغوت که یهود و نصاری از مصادیق آنها هستند، در می‌آید. یکی از آیاتی که مؤید این نوع رابطه با ولایت است، عبارت است از: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائدة: ۵۴). این آیه با آیات پیشین متصل است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» (مائدة: ۵۱). مضمون کلی آیه این است که اگر گروهی از مسلمانان با پذیرش ولایت یهود و نصاری از دین الاهی برگردند، خداوند قومی را خواهد آورد که ولایت یهود و نصاری را نمی‌پذیرند و خداوند آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند، ایشان در برابر مؤمنان فروتن و در مقابل کفار، سرسخت و نفوذناپذیراند. خداوند زمانی کسی را دوست خواهد داشت که او از پیامبر ﷺ تبعیت کند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱). بنابراین آیات فوق بیانگر این است که تبعیت یکی از لوازم ارتباط با مولی و ولایت است.

اطاعت: یکی دیگر از متعلقات پذیرش ولایت یهود و نصاری، «اطاعت» از آنان است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۹-۱۵۰). مراد از کفار در این آیه، علاوه بر مشرکان، یهود و نصاری نیز هست (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰۰/۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۱۵/۱۵)؛ زیرا ایشان نیز به آنچه به پیامبر ﷺ نازل شده کافرند. آیه ۱۰۹ سوره بقره مؤید همین نکته است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره: ۱۰۹). در آیات سوره آل عمران، پس از نهی مؤمنان از اطاعت کفار، با کلمه «بل» اضراییه آنان را به پذیرش ولایت الله دعوت می‌کند که به معنای اعراض از ولایت شرک و کفر است. بنابراین معنای کلی آیه این است که: «وَلَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ

كفروا أولياء بل الله مولیکم و هو خير الناصرین» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۲۱-۷۲۲). بر این اساس، اطاعت یکی دیگر از متعلقات پذیرش ولایت است.

تعریف برگزیده از ولایت و ولیّ

بنابر آنچه گفته شد، متعلقات پذیرش ولایت یهود و نصاری عبارت است از: مودّت، تبعیّت و اطاعت. بر این اساس که ولایت یهود و نصاری در سیاق ولایت خدا و رسول ﷺ و مؤمنان خاص آمده است، در ولایت خدا و رسول ﷺ و مؤمنان خاص نیز مناسبات سه گانه مودّت، تبعیّت و اطاعت باید برقرار شود.^۲ با توجه به این مناسبات، می‌توان ولایت را این‌گونه معنا کرد: «ولایت یعنی به هم‌پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید افرادی که دارای فکر واحد و جویای هدف واحدند، در مسیری مشترک قدم برمی‌دارند، برای مقصود واحدی تلاش و حرکت می‌کنند و فکر و عقیده واحدی را پذیرفته‌اند. افراد این جبهه باید به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌ها، قطب‌ها و قسمت‌های دیگر فاصله بگیرند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۵۲۲). ولایت به این معنا دارای سه بعد و جلوه است: ۱. انسجام و ارتباط و اتصال شدید داخلی میان عناصر مسلمان. ۲. هم‌جبهه و پیوسته نبودن ملت مسلمان با دنیای غیرمسلمان.^۳ ۳. ارتباط مستحکم و نیرومند فکری و عملی همه افراد امت اسلام با ولیّ (همان، ۱۳۹۴: ۵۴۵-۵۴۷). اگر جامعه اسلامی بخواهد آن دو بعد نخست ولایت را در خود تأمین کند، یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش به سوی هدفی مشترک به راه بیفتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی‌اش علیه قدرت‌های ضد اسلامی در خارج بسیج شود، احتیاج دارد به نقطه قدرتی متمرکز شود و تمام نیروهای داخلی به مرکز فرماندهی مقتدری بپیوندد و همه از قلبی واحد الهام بگیرند و از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند. نیز همه عناصر فعال و با نشاط جامعه اسلامی، نشاط فکری و عملی خود برای فعالیت‌های زندگی و دشمن‌ستیزی‌ها و دوست‌نوازی‌های خود را از آن مرکز الهام بگیرند؛ اسم چنین مرکز فرماندهی و قدرت متمرکزی «ولیّ» است که مصداق این ولیّ بر اساس آیه ولایت، خدا است و مظهر آن، رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیّ است (همان، ۱۳۹۴: ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۰، ۵۶۱).

علاوه بر دلایل پیشین که بیانگر نوع ارتباط با ولایت بود (مودّت، تبعیت و اطاعت)، در خود آیات ۵۱-۵۶ سوره مائده قرائنی وجود دارد که مؤید این تعریف است: قرینه اول: در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّهمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ: هر کس از شما ولایت آنان [یهود و نصاری] را بپذیرد، از آنان خواهد بود». این بخش از آیه، بیانگر این است که در ولایت، ارتباط وثیق و به هم پیوستگی و هم جبهه‌گی وجود دارد، به طوری که اگر کسی ولایت یهود و نصاری را پذیرفت، در واقع از آنان می‌شود و دیگر از گروه مسلمانان به شمار نمی‌آید.

قرینه دوم: در پایان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۵۱). این بخش از آیه، بیان‌کننده این است که پذیرش ولایت یهود و نصاری، یکی از مصادیق ظلم است و ظلم بودن چنین کاری، نشان از عمق ارتباط و اتصال دارد.

قرینه سوم: آیه ۵۳ سوره مائده، یکی از نتایج پذیرش ولایت یهود و نصاری را حبط اعمال بیان می‌کند: «حَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ». در بیشتر آیات قرآن، حبط عمل در صورتی رخ می‌دهد که شخص از ایمان به کفر و شرک درآمده باشد (بقره: ۲۱۷؛ آل‌عمران: ۲۲؛ مائده: ۵؛ انعام: ۸۸؛ اعراف: ۱۴۷؛ توبه: ۱۷). آیه بعدی مؤید این است که حبط عمل چنین کسانی مانند حبط عمل کسانی است که از ایمان به کفر درآمده‌اند، آنجا که می‌فرماید: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده: ۵۴). بنابراین پذیرش ولایت یهود و نصاری، باعث حبط عمل مسلمان می‌شود و این حبط عمل به سبب پذیرش چنین ولایتی، بیانگر این است که ولایت، دوستی و محبتی ساده نیست بلکه در ولایت ارتباط و اتصال شدید وجود دارد.

قرینه چهارم: در پایان آیه ۵۳ سوره مائده، پذیرندگان ولایت یهود و نصاری را جزء «خاسرین» به شمار آورده است: «فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ». بر اساس آیات قرآن، کسانی که بر آنان مهر «خاسرین» زده شود، عاقبت آنان جهنم خواهد بود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۲-۳).

قرینه پنجم: در آیه ۵۴ سوره مائده می‌فرماید: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ»؛ این آیه با آیات پیشین متصل است، و معنای آیه این است که هر یک از شما که ولایت یهود و نصاری را بپذیرد و تحت ولایت ایشان درآید، از دین خود مرتد شده

است. این آیه به وضوح بیانگر این است که پذیرش ولایت یهود و نصاری موجب ارتداد از دین می‌شود (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۷۸/۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۰/۵)، همان‌گونه که در آیه ۵۱ سوره مائده فرمود: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ». اینکه نتیجه پذیرش ولایت یهود و نصاری، ارتداد از دین باشد، حاکی از این است که در ولایت، اتصال و ارتباط شدید و هم‌جهگی و به‌هم‌پیوستگی وجود دارد و ولایت، صرف دوستی و محبتی ساده نیست.

قرینه ششم: در ادامه آیه ۵۴ سوره مائده می‌فرماید: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يَحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ این بخش از آیه کسانی را توصیف می‌کند که ولایت یهود و نصاری را نپذیرفته و تحت ولایت خداوند درآمده‌اند و یکی از صفات آنان این است که در برابر مؤمنان، فروتن و در مقابل کفار، سرسخت و نفوذناپذیراند. «أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» مؤید بُعد اول ولایت است؛ چنان‌که گفته شد یک بُعد ولایت، ارتباط و اتصال شدید داخلی میان عناصر مسلمان با یکدیگر است و عبارت «أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ» نیز تأییدکننده بُعد دوم ولایت است که آن نداشتن هم‌جهگی و پیوستگی ملت مسلمان با دنیای غیرمسلمان است.

مصدق‌یابی «الذین آمنوا» بر اساس روایات فریقین

بنا بر چند اصل، برای مصدق‌یابی «وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» باید به روایات رجوع کرد: ۱. این بخش از آیه ولایت، شامل همه مؤمنان نمی‌شود، زیرا همواره مؤمنانی در حال فقر بوده و توان پرداخت زکات نداشته‌اند. ۲. همان‌طور که در بخش پاسخ به شبهات گذشت، فقره «و هم راکعون»، کلیت «الذین آمنوا...» را تخصیص زده و ولایت را شامل مؤمنانی دانسته است که نماز را برپا می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌دهند. ۳. از طرفی، واژه «راکعون» به همان معنای اصطلاحی حالت خم شدن در نماز است نه به معنای «خاضعون». زیرا اگر گفته شود راکعون به معنای خضوع است، همه کسانی که در حال خضوع زکات می‌دهند مصداق ولیّ در این آیه می‌شدند، لیکن بنابر دلایلی که در بخش پیشین ذکر شد، راکعون به همان معنای حالت خم شدن در نماز است. بنابراین باید در پی این باشیم تا

مصدق کسانی که در حال رکوع زکات داده‌اند، را بیابیم. ۴. در آیات دیگر مصداقی برای «و هم راکعون» ذکر نشده است.

بنابر این ۴ اصل، برای مصداقیابی «الذین آمنوا...» راهی جز رجوع به روایات وجود ندارد. روایات بیانگر این است که تنها مصداق «الذین آمنوا... و هم راکعون» امام علی علیه السلام است.^۵ این روایات به صورت متواتر از منابع فریقین نقل شده‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله در مواقع متعدد ولایت امام علی علیه السلام را تصریح کردند، چنان‌که در غدیر خم فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه». مراجعه به روایات برای مصداقیابی «و هم راکعون» همانند رجوع به روایات و سنت برای شناخت کمیت و کیفیت نماز، روزه، زکات و حج است، زیرا در آیات زیادی امر به نماز شده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (البقره: ۴۳)، اما کمیت و کیفیت آن در قرآن مشخص نشده است.

نتیجه

یافته‌های مقاله را می‌توان در مطالب زیر فهرست کرد:

۱. مطالعه آرا و نظرات مفسران فریقین درباره تفسیر آیه ولایت، نشان‌دهنده این است که آنان بر اساس آیه ۵۵ سوره مائده درباره ولایت و امامت امام علی علیه السلام، دو دیدگاه کلی دارند: ۱. بیشتر مفسران اهل سنت واژه ولی در آیه را به معنای دوست و یاور می‌دانند و بر همین اساس ولایت در آیه را مطلق و آن را شامل تمام مؤمنان به شمار آورده‌اند. ۲. شیعه لفظ ولی را صرفاً به معنای محبت و نصرت نمی‌داند و چنین معنایی را در تعارض با آیات دیگر دانسته، معتقد است لفظ ولی علاوه بر محبت، متضمن حاکمیت اجتماعی و سیاسی است و نصرت از نتایج آن است. مفسران شیعه، بر اساس معنای ولی در آیه و نیز بر مبنای روایات متواتری که سبب نزول آیه را ولایت امام علی علیه السلام نقل کرده است، آیه شریفه را دلیل قرآنی ولایت و امامت امام علی علیه السلام بیان می‌کنند.

۲. تفسیر صحیح آیه ولایت در گرو به‌کارگیری دو روش تفسیری است:

الف. معنایی لفظ «ولی» بر اساس آیات قرآن: آیه ولایت در سیاق نفی ولایت یهود و نصاری است (آیات ۵۱-۵۶ مائده)؛ این سیاق، مبین هم‌معنایی ولایت یهود و نصاری

با ولایت در آیه ۵۵ سوره مائده است. بر این اساس، یکی از طرقی که می‌توان با آن به معنای ولیّ و ولایت دست یافت، واکاوی چگونگی ارتباط با یهود و نصاری است که در آیات قرآن به سه نوع ارتباط اشاره شده است: مودت، تبعیت و اطاعت. بر اساس این سه نوع ارتباط، ولایت به معنای «اتصال و ارتباط شدید، هم‌جهگی و به‌هم‌پیوستگی است که سه بُعد دارد: ۱. اتصال و ارتباط مسلمانان با یکدیگر. ۲. پیوستگی نداشتن با غیرمسلمانان. ۳. ارتباط و اتصال شدید با قدرت و فرماندهی متمرکز که آیه ولایت از آن به عنوان ولیّ یاد کرده است. آیات ۵۱-۵۶ سوره مائده قرینه و مؤیدی بر صحت این تعریف است.

ب. مصداق‌یابی «الذین آمنوا...» بر اساس روایات: قرائن درونی آیه ولایت بیانگر این نکته است که «الذین آمنوا...» شامل همه مؤمنان نمی‌شود، یکی از قرائن این است که «راکعون» به معنای حالت خم شدن در نماز است. بنابراین برای تعیین مصداق مؤمنان در این آیه، باید به روایات رجوع کنیم. روایات متواتر از منابع فریقین دلالت دارند بر اینکه تنها مصداق «الذین آمنوا...» امام علی علیه السلام است. بنابراین تفسیر شیعه از آیه ولایت مبنی بر جانشینی و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام صحیح است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتبی همچون الطرائف سید ابن طاووس، امام‌شناسی علامه تهرانی جلد ۵ آیات ولایت در قرآن از مکارم شیرازی.
۲. برخی آیات ناظر بر ولایت مؤمنان بر یکدیگر هستند، مانند آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱). اگر گفته شود این آیه بر ولایت همه مؤمنان به هم دلالت دارد، چنین ولایتی نمی‌تواند متضمن تمامی این سه نوع رابطه «مودت، تبعیت و اطاعت» باشد، چنان‌که این سه نوع رابطه برای ولایت در آیه ۵۵ سوره مائده و ولایت یهود و نصاری اثبات شد. زیرا در عالم واقع نمی‌توان با همه مؤمنان این سه نوع رابطه را داشت، چرا که اطاعت به صورت مطلق، فقط در برابر کسی جایز و لازم است که معصوم باشد. همین نکته دلیلی است بر اینکه ولایت مورد بحث در آیه ولایت، ولایتی ویژه است که همه مؤمنان را شامل نمی‌شود بلکه مختص مؤمنان خاصی است که یکی از ویژگی‌های آنان، عصمت است. این نوع ولایت با ولایت مؤمنان به یکدیگر که آیه ۷۱ سوره توبه متضمن آن بود، تفاوت دارد.
۳. نداشتن هم‌جهگی و پیوستگی ملت مسلمان با دنیای غیرمسلمان، به معنای قطع رابطه با ملل غیرمسلمان و قطع رابطه سیاسی و بازرگانی و دیپلماسی و داشتن روابط معمولی با آنان نیست، بلکه

- بدین معنا است که امت اسلام باید سعی کند ذره‌ای تحت فرمان و تأثیر آنان قرار نگیرد و تحت تأثیر سیاست‌های آنان، از استقلال نیفتد. اگر هم جبهگی و پیوستگی ملت مسلمان با آنها موجب تحت تأثیر قرار گرفتن امت مسلمان بشود، به کلی ممنوع است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۵۴۱-۵۴۳)
۴. نک: همین نوشتار، بخش نقد و بررسی شبهات بر دیدگاه اول، پاسخ به شبهه ۴.
۵. برای آگاهی از تعدادی از روایات و منابع فریقین در این باره، نک: همین نوشتار، بخش «آیه ولایت» و بخش نقد و بررسی شبهات بر دیدگاه اول، پاسخ به شبهه ۱.

منابع

قرآن کریم.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۰). *منشأ القرآن و مختلفه*، قم: بیدار.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، چاپ: اول.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). *منهاج السنة النبویة*، تحقیق: محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، الطبعة الأولى.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق (۱۴۲۲). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ: اول.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابوالعباس، احمد بن ابراهیم (بی تا). *المصابیح*، بی جا: مؤسسة الامام زید بن علی.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیہ، چاپ اول.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۲). *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام*، بیروت: مؤسسة التأریخ العربی، چاپ: اول.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹). *سنن الترمذی*، تحقیق و شرح: شاکر، احمد محمد، قاهره: دارالحديث، چاپ اول.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت:

دار احیاء التراث العربی، چاپ اول

جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). *احکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جعفری، محمدرضا؛ حائری، سیدحسین (۱۳۹۰). «جستاری در معنای واژه ولی»، *فصلنامه امامت*

پژوهی، شماره اول

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *تفسیر تسنیم*، جلد ۱۵، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم*، جلد ۲۳، قم: اسراء.

جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸). *فرائد السمطین*، بیروت: موسسه المحمودی.

حسکانی عیدالله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: سازمان چاپ

و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷). *نهج الحق و کشف الصلح*، قم: مؤسسه دار الهجرة.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: موسسه فرهنگی ایمان

جهادی، چاپ ششم.

رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸). *تفسیر روح الجنان*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی (ره).

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، چاپ اول

راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵). *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی

نجفی.

رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). *امام شناسی و پاسخ به شبهات (امامت در آیات)*، ج ۱، مسجد

مقدس جمکران، قم.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتاب العربی،

چاپ سوم.

سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

شوکانی، محمد (۱۴۱۴). *فتح القادیر*، دمشق: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - بیروت، چاپ اول

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث

العربی.

طبری، ابن جریر رستم (بی تا). *دلائل الامامة*، قم: بعثت.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸). *محاسن التاویل*، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
قندوزی حنفی، شیخ سلیمان (۱۴۱۸). *ینابیع الموده*، بیروت: موسسه الاعلمی،
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *تفسیر القرآن المجید*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی آیات ولایت در دیدگاه فریقین*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: انتشارات سمت.

هیشمی، ابن حجر (۱۴۱۷). *الصواعق المحرقة*، بیروت: موسسه الرساله.

